

نشریات

ادبی

ایران

تاریخ

«۲»

اما برای معرفی نشریات ادبی که از دیرزمان در مملکت ما منتشر
میشده اند باید بگوئیم که در گذشته در اغلب جراید بخش ادبی وجود
داشته و نوشته‌های نویسندگان و اصولاً کلیه مطالب روزنامه‌ها ادیبانه
نوشته میشده است ولی اولین نشریه‌ای که جنبه ادبیت داشته شاید
روزنامه (علمیه دولت علیه ایران) باشد.

این روزنامه در ابتدا به سه زبان فارسی و عربی و فرانسه نوشته
میشده و مقاله‌های ادبی و علمی مفیدی در آن نشر می‌شده است.

نخستین شماره این روزنامه در اول شعبان ۱۲۸۰ هـ. ق چاپ شده و

تا شوال ۱۲۸۷ جمعاً ۵۳ شماره از آن منتشر شده است.

پس از آن محمد حسن خان صنّیع الدوله روزنامه علمی را دایر

کرده و در ۱۲ ذیحجه سال ۱۲۹۳ اولین شماره آن چاپ و جمعاً ۴۶ شماره

منتشر شده است. این نشریه نیز از جراید خوب آن زمان و دارای مقاله-

های ادبی، علمی و اشعار متنوع و مختلف بوده است.

در دوره سلطنت مظفرالدین شاه تحولی کلی در وضع مطبوعات بوجود آمد. در این دوره نشریات مفید ادبی غیر دولتی نیز در آسمان مطبوعات ایران طلوع کرد و از آن جمله است روزنامه تربیت بمدریت مرحوم محمد حسینخان فروغی (ذکاء المملک) که شماره اول آن در تاریخ پنجشنبه یازدهم رجب ۱۳۱۴ ه. ق. منتشر شده و تا ۲۹ محرم سال ۱۳۲۵ تقریباً بطور مرتب انتشار یافته است.

در شماره اول این روزنامه اعلان زیر چاپ شده است:

«بیاری قادر متعال اجلت حکمته و قدست اسمائه و به اجازه وزارت جلیله انطباعات این روزنامه هفتگی موسوم به «تربیت» شروع به طبع نمود و دری از مفاوضت بروی ارباب دانش گشود. هر کس حرفی سودمند داشته باشد بواسطه این جریده میتواند بگوید و در راه حب وطن گامی و راهی بیوید.

این ورقه مشتمل بر هر گونه مطلب مفید است و از قید اغراض و رسمیت و مدح و قدح و غیرها فارغ و آزاد.

قیمت آن سهل و مناسب نه مجاناً باحدی داده میشود، نه حکماً.

در خریداری آن هر نفسی مختار است و عالم عالم اختیار»

روزنامه تربیت در چهار صفحه منتشر می شده و محتوی مطالب علمی و ادبی و شرح حال بزرگان جهان و اختراعات و اکتشافات جدید و اخبار مختلف بوده و در بالای روزنامه نوشته شده است: «هر کس مقاله

مفیدی به اداره تربیت فرستد و نشر آنرا صلاح دانند به منت باسم خود نویسنده طبع خواهند نمود .»

شماره هفتم این روزنامه کلاً منحصر است بدو قصیده یکی از میرزا حسینخان فروغی و دیگری از محمدعلیخان فروغی که هر دو در مدح صاحب الزمان سروده شده و در پایان صفحه چهارم نیز بهمین مناسبت مطلبی چاپ شده که از لحاظ سیاق عبارت روز نامه مزبور عیناً نقل میشود .

دارالخلافة تهران :

از حسن نیت و خلوص عقیده شاهنشاه اسلام پناه
 مظفرالدین شاه روحانفاده کارها همه از مادی و معنوی رو بخوبی می -
 گذارد و حالها راه بهبودی میسپارد از جمله (اسلام شد مشیدودین گشت
 استوار) بیمن همت و اقدام ملجأ الانام ملاذالاسلام سید سند عالم مؤید
 جناب مستطاب آقای آقا میرسید محمد سلمه الله تعالی تبیین آنکه در
 نیمه شعبان که شب ولادت مسعود حضرت حجت یزدان
 میباشد جناب مستطاب معزی الیهدر سرای سعادت آشنای خود جشن
 این عید سعید را با شکوهی تمام گرفتند و مقتدای معظم ما یعنی
 علامه ربانی آقای حاجی میرزا محمد حسن آشتیانی مدالله ظلاله بقدم
 سعادت لزوم برشکوه و عظمت آن مجمع مقدس افزودند.

سایر سیارگان سپهردانش از علمای اعلام و طلاب ذوی الاحترام
 نیز خود را مصاییح و قنادیل چراغانی آن محفل قرار دادند و آن بزم
 نو آئین رشک خلد برین شد شعرا تهنیت و قصاید غرا انشاد کردند .»
 ادیب الممالک فراهانی را در مدح فروغی و جریده تربیت قطعه‌ای

است که در اینجا نقل میکنیم :

استاد فاضلان سخنور ذکاء ملک

آن منشی جریده غرای تربیت

دانشوری که فضلش در گوش آسمان

آوازه در فکنده ز آوای تربیت

آن قائد سپاه معارف که از هنر

آراست صد کتیبه به صحرای تربیت

کلکش مشاطه وارز رسم ادب نهاد

خحالی به صفحه رخ زیبای تربیت

پیرایه یافت گردن دوشیزه ادب

از فیض بحر طبع گهرزای تربیت

اینک سزد که بنده به پاداش این کرم

از روی شوق بوسه زند پای تربیت

خواهم ز کرد گار که تا روز رستخیز

منت نهد به خلق ز ابقای تربیت

روشن کند خدای تعالی روان ملک

از آفتاب چهر دلارای تربیت

بعد از آن در سال ۱۳۱۶ ه. ق. محمد صادق امیری (ادیب -

الممالک) روزنامه ادب را در تبریز انتشار داده است.

مرحوم استاد وحید دستگردی در مقدمه‌ای که بر دیوان ادیب الممالک

نوشته متذکر شده است: «... در ذیقعد ۱۳۱۴ که امیر نظام دوباره

به پیشکاری کل آذربایجان منصوب شده ادیب الممالک هم با او به

تبریز رفته. در ۱۳۱۶ که مدرسه لقمانیه در تبریز باز شده ادیب الممالک نائب رئیس مدرسه گردیده ۰۰۰ در همین سال روزنامه ادب را در تبریز با خط نستعلیق انتشار میداده و بعد از مدتی انقطاع دوباره با خط نسخ انتشار داده.

از این قسمت نسخ که مصور بود دو نسخه منتشر شده و روزنامه اش توقیف گردید و ادیب هم عازم تهران شد لیکن در منزل گاه اول از اسب به زمین خورده دستش شکست و به تبریز مراجعت کرد.

مطابق یادداشت دفاتر وی امیر نظام و گوهر ملک خانم منکوحه برادرش که از بنی اعمام بوده شکست دست را بدو چنین تسلیم نوشته اند:

امیر نظام:

یار آمد و گفت خسته میدار دلت
 دایم با امید بسته می دار دلت
 ما را به شکستگان نظر ها باشد
 مسارا خواهی شکسته می دار دلت

گوهر ملک خانم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 ای بحر علوم و ای در بی همنا
 دست تو بیست دست عالم بقفا
 دست تو اگر شکست از آسیب قدر
 امید که دل نشکندت کید قضا

مرحوم ملک الکلامی کردستانی نیز بدو نوشته:

چون یافت سپهر دون بر آزار تو دست
 هم دست ترا شکست وهم روی تو خست

بر بست در عیش بروی من از آنک

نه دست ترا دل مرا هم بشکست
 پس از بهبودی دوباره يك نمره روز نامه ادب را در تبریز منتشر
 ساخته و قصیده ای که در پیش آمد احوال خود ساخته مندرج داشته بود
 که مطلع آن این است :

« دست شکسته باز در آمد از آستین ».

نسخه سوم روزنامه ادب مصورمقارن با ۱۵ شعبان ۱۳۱۷ است.
 در اوایل سال ۱۳۱۸ از تبریز به قفقازیه رفته و از آنجا به خوارزم سفر
 کرده چندی در نزد پسر محمد امین خان خیوه بسر برده و از آنجا به مشهد
 مقدس رضا صلوات الله وسلامه علیه رفته و از چهاردهم رمضان ۱۳۱۸
 تا شوال ۱۳۲۰ روزنامه ادب را در مشهد انتشار داده .

در سال ۱۳۲۱ گویا به تهران آمده . بهر حال در سال ۱۳۲۳
 مشارالیه را در بادکوبه می بینیم که باروزنامه ارشاد ترکی و رقه ضمیمه ای
 انتشار داده است .

در شعبان ۱۳۲۴ ه. ق. که مجلس شورای ملی افتتاح شد ادیب -
 الممالک را در تهران می بینیم که سردبیر روز نامه مجلس است
 و در سنه ۱۳۲۲ از طرف وزارت داخله مدیر روزنامه نیم رسمی آفتاب
 بوده است .

دو نشریه تربیت و ادب هر دو از نشریه های مفید و سودمند تاریخ
 مطبوعات ایران محسوب میشوند .
 ادامه دارد